

# به نام پروردگاریکتا

## انسان به منزلهٔ ابژهٔ دانش

نقش مشاهده در تکوین علوم انسانی نزد میشل فوکو

از مجموعه پروژه‌های

«طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

دکتر غلامحسین مقدم حیدری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

---

انسان به منزلهٔ ابژهٔ دانش

مؤلف: غلامحسین مقدم حیدری

ناظر طرح: عماد افروغ

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

فرهنگ اروپایی در واپسین سال های قرن هجدهم ساختاری را شکل داد که هنوز از هم نپاشیده است؛ تازه شروع کرده ایم بعضی از تارهای این کلاف را باز کنیم، تارهایی که هنوز برایمان ناشناخته اند که خیلی طبیعی به غایت جدید یا مطلقا کهنه می پنداریمشان؛ در حالی که دو قرن است که این تارها بافت تاریک اما محکم تجربه ما را ساخته اند. (میشل فوکو)



## فهرست

۹	سخن پژوهشگاه
۱۵	پیشگفتار
۱۷	مشاهده در فلسفه علم و نگاه نزد فوکو
۲۱	ابتنای علوم انسانی بر پزشکی مدرن
۲۳	معرفی فصول کتاب
۲۷	مراجع پیشگفتار
بخش اول: نقش «مشاهده» در پیدایش پزشکی نوین	
۳۱	فصل اول: «مشاهده» کلینیکی به مثابه عملی سیاسی
۳۲	قدرت، سیاست و حکومت
۳۵	پزشکی رده بندی / پزشکی کلینیکی
۴۱	سیاست سلامت: تولد کلینیک
۴۴	حاکمیت نگاه
۴۴	نگاه سیاسی
۴۶	نگاه هنجاری
۴۷	نگاه محاسبه گر
۵۰	نتیجه
۵۲	منابع

۵۳	فصل دوم: همه گیری، قرنطینه و قدرت سیاسی پزشکی
۵۵	همه گیری و نظریه میاسما
۶۰	تکنیک جدا سازی
۶۲	تکنیک قرنطینه
۶۶	نتیجه: قدرت سیاسی پزشکی
۶۹	مراجع

### بخش دوم: مشاهده ابژه ساز و شکل گیری روان شناسی

۷۲	۱. مشاهده بازتابی (عبرت آموز)
۷۶	۲. جنون به منزله بیماری
۷۷	۱.۲ استحکام بخشیدن
۷۸	۲.۲ تصفیه
۸۰	۳.۲ فرو بردن در آب
۸۱	۴.۲ تنظیم حرکت
۸۲	۵.۲ بیدار کردن
۸۳	۶.۲ اجرای نمایش
۸۴	۷.۲ بازگشت به بدویت
۸۶	۳. وحشت عظیم
۹۲	۴. مرزبندی جدید
۹۴	۵. تولد تیمارستان
۱۰۵	۶. تکنیک های مشاهده نافذ
۱۰۶	۱.۶ تکنیک مشاهده دیگران: «نیاز به احترام»
۱۰۷	۲.۶ تکنیک «بازشناختن درآینه»
۱۱۰	۳.۶ تکنیک سکوت: در معرض مشاهده نبودن
۱۱۲	۷. ویژگی های مشاهده نافذ

۱۱۵	۸. نتیجه
۱۱۷	منابع
بخش سوم: نگاه هنجار ساز و تولد علوم اجتماعی	
۱۲۰	فصل اول: ابتدای «آسیب شناسی اجتماعی» برپزشکی مدرن
۱۲۰	۱. مقدمه
۱۲۳	۲. امر بهنجار- امرآسیب شناختی درپزشکی مدرن
۱۲۸	۳. آسیب شناسی اجتماعی و بی هنجاری نزد دورکیم
۱۲۸	۱.۳. بیماری اجتماعی
۱۳۱	۲.۳. فراوانی معیاری برای نرمال بودن پدیده اجتماعی
۱۳۴	۳.۳. جرم: نرمال یا غیرنرمال؟
۱۳۸	۴. نتیجه
۱۳۹	منابع
۱۴۱	فصل دوم: نگاه سراسرین: ماشین معرفت ساز
۱۴۵	معماری کلیسای ارتدکس
۱۴۹	مدرسه هنرروسیه
۱۵۴	زندان سراسرین
۱۶۰	ماشین منقادساز
۱۶۹	مراجع
۱۷۳	موخره
۱۷۹	منابع





## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی سازی و کاربردی سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاریست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاریست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکهٔ برنامهٔ محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژهٔ هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکهٔ نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آمادهٔ نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانهٔ توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصهٔ سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسهٔ پژوهشی را به جرگهٔ نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به

همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب های مجموعه طرح های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان که طی این سال ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل نامه های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین المللی فارابی و ده ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله ای پرتال در رده بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت سازی و ارتقای توانمندی به شمار می آید.

بدیهی است با همه مزیت های این مجموعه طرح ها و آثار، بخش هایی از این کتاب ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه وری بیشتر این آثار در چاپ های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی جویی دغدغه استاد زنده یاد دکتر صادق آینه وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به ویژه جناب آقای دکتر سید محمد رضا امیری طهرانی زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی زاده، جناب آقای دکتر سید سجاد علم الهدی، جناب آقای دکتر سید محسن علوی پور، جناب آقای محمد علی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یحیی رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

### حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور



## پیشگفتار

این کتاب بخشی از پژوهش‌هایی است که در قالب طرح «ارزیابی رابطه ایجابی قدرت و پیدایش و تکوین علوم انسانی در غرب» از جمله طرح‌های اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شده است. هدف اصلی این طرح آن بود که شرایط تحقق علوم انسانی در غرب را نشان دهد و سپس به عنوان کاربردی از این پژوهش نشان دهد که آیا این شرایط در جامعه ایرانی فراهم بوده است یا نه.

کتاب حاضر نتیجه پژوهش‌هایی است که به هدف اصلی این طرح یعنی رابطه ایجابی قدرت و پیدایش و تکوین علوم انسانی در غرب می‌پردازد. این طرح در چهارچوب نظری آرای میشل فوکو - جامعه شناس و فیلسوف معاصر فرانسوی - درباره رابطه قدرت و دانش انجام شد. البته ادبیات پژوهشی فراوانی در سطح جهان و تا حدودی در جامعه ما درباره آرا و نظریات فوکو وجود دارد اما آنچه این اثر را از پژوهشی‌های دیگر متمایز می‌کند، آن است که پژوهش پیش رو موضوع را از منظر فلسفه علم بررسی کرده است.

تصور رایج آن است که فلسفه علم مجموعه‌ای از مطالعات فلسفی است که به شیوه تحلیلی به تا مل درباره علوم طبیعی و تا حدی علوم اجتماعی می‌پردازد. اما باید توجه کرد که برخی فیلسوفان قاره‌ای نیز تتبعات فلسفی و جامعه‌شناختی مهمی در این باره داشته‌اند. این مطالعات فقط به علوم طبیعی نمی‌پردازند بلکه علوم انسانی و بویژه علوم اجتماعی را نیز در بردارند.

گرچه حاصل این تتبعات دیسپلین مطالعاتی جداگانه ای را به خود اختصاص نداده است اما می توان با بازسازی و بازبینی تاملات فیلسوفان این حوزه، این ادبیات پژوهشی را در قالب «فلسفه علم قاره ای» قرار داد. در سالهای اخیر برخی از پژوهشگران غربی این موضوع را مورد توجه قرار داده اند و آثار معدودی در این باره نوشته شده است. اما حتی در میان این آثار نیز نمی توان موضوعاتی را مشاهده کرد که مفاهیم و موضوعات مورد مناقشه در فلسفه علم تحلیلی را از منظر فلسفه علم قاره ای بررسی نمایند. بلکه علی الاغلب خود علم را مورد بررسی های کلی قرار می دهند.

یکی از موضوعات مهم در فلسفه علم تحلیلی مفهوم «مشاهده» است. اینکه «علم از مشاهده آغاز می شود» از مهمترین بحث هایی است که مناقشات فراوانی حول آن رخ داده است و مکاتب گوناگون در این باره شکل گرفته است. از این رو ایده مجری طرح - که تخصص و تالیفاتش در حوزه فلسفه علم است - این بود که نقش «مشاهده» را در شکل گیری علوم انسانی در غرب از منظر فلسفه علم قاره ای مورد بررسی قرار دهد.

از جمله افرادی که می توان این مفهوم را در برخی از مهمترین آثارش به کرات دید میشل فوکو است. شاید بتوان گفت که آموزه اصلی او در سه گانه تاریخ جنون<sup>۱</sup>، تولد کلینیک<sup>۲</sup>، تاریخ تنبیه و مجازات<sup>۳</sup> و تاریخ سکسوالیته<sup>۴</sup> بررسی «مشاهده» یا به تعبیر او «نگاه» در پیدایش علوم است که حقیقت انسان به منزله سوژه توانست به ابژه دانش علمی بدل شود. بطوریکه می توان گفت پروژه فوکو «تبارشناسی سوژه مدرن به منزله واقعیتی تاریخی و فرهنگی است». (میلر، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴)

- 
1. History of Madness in the Classical Age (1961)
  2. The Birth of the Clinic (1963)
  3. Discipline and Punish (1975)
  4. history of sexuality (1976)



## مشاهده در فلسفه علم و نگاه نزد فوکو

بررسی چگونگی «مشاهده» در پژوهش‌های علمی و رابطه آن با نظریه‌ها یکی از موضوعات و مناقشات مهم در فلسفه علم است<sup>۱</sup>. طبق نظر تجربه‌گرایان منطقی، مشاهده در فرایندی مانند جریان کارکردن دستگاه عکاسی محقق می‌شود. اندام‌های حسی، محیط مادی و اجتماعی را عیناً دریافت و آن را به سلسله اعصاب گزارش می‌کنند. تنها پس از این گزارش است که شخص به آن چه احساس شده، معنایی می‌دهد. از این دیدگاه، حس قبل از معنا تحقق می‌یابد و حس کردن و یافتن معنا، دو فرایند جداگانه‌اند. بر این اساس فیلسوفان علم تجربه‌گرا گزاره‌های مشاهده‌ای و گزاره‌های نظری را از هم تفکیک می‌کنند. پاپیر با نقد این آرا در کتاب *منطق اکتشافات علمی* نشان داد که گزاره‌های مشاهده‌ای هستی‌های همگانی هستند که به زبان عام صورتبندی شده و در برگزیده نظریه‌هایی با درجات مختلف از کلیت و پیچیدگی می‌باشند. از این رو گزاره‌های مشاهده‌ای «همیشه از تئوری‌ها آریستند» (پاپیر، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲) و همواره نوعی نظریه برگزیده‌های مشاهده‌ای مقدم است. به عبارت دیگر گزاره‌های مشاهده‌ای باید به زبان نوعی نظریه ساخته شوند.

در سال ۱۹۶۲ تامس کوهن در کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی* از دوتایی مشاهده / نظریه فراتر رفت. او متاثر از روانشناسی گشتالت و فلسفه ویتگنشتاین متاخر نشان داد که مشاهده صرفاً ادراکی نیست که دستگاه عصبی دانشمند آن را ثبت می‌کند، بلکه «آن چه یک شخص می‌بیند هم به چیزی که بدان می‌نگرد و هم به تجربه مفهومی بصری پیشین او که دیدن را به وی آموخته، وابسته است» (Kuhn, 1970, p113) این تجربه مفهومی بصری

۱. البته به سبب آنکه حس بینایی در پژوهش‌های علمی وسیع‌تر از دیگر حواس مورد استفاده قرار می‌گیرد، معمولاً بحث درباره «مشاهده» به حوزه بینایی منحصر می‌شود اما این بحث‌ها را می‌توان به سایر حواس نیز اطلاق کرد.

برخواسته از سنت علم متعارفی است که حاصل پارادایم حاکم بر جامعه علمی ای است که شخص در آن آموزش دیده است. گرچه مشاهده، هم به آن چه که شخص می بیند (شیء خارجی) و هم به تجربه مفهومی بصری پیشین او بستگی دارد، اما مجموع این دو جزء نیست بلکه فرایند واحدی حاصل تعامل این دو عامل است. حواس نماینده مستقیم اشیای مادی در محیط جغرافیایی شان نیستند. آن چه ما ادراک می کنیم مجموعه ای از داده های خام از طبیعت نیست؛ بلکه این ادراکات در میدانی حاصل می شود که شامل طبیعت، مشاهده گر، ابزارهای اندازه گیری و محیط فرهنگی اجتماعی خاصی است که مشاهده گر در آن به مشاهده می پردازد. پس آن چه که اصطلاحاً مشاهدات خالص تجربی می نامیم، به نظریه های موجود در جامعه ای که فرد مشاهده گر در آن آموزش دیده است، بستگی دارد.

از این منظر ادراک فرایند واحدی است که در آن حس با معنا و معنا با حس ارتباط متقابل دارند و به طور همزمان زُخ می دهند. بدین صورت که شخص به ندرت چیزی را بدون آن که به برخی از اهداف او مربوط باشد، حس می کند. همین وابستگی به هدف به مثابه امری کیفی، معنی شیء را تعیین می کند. اگر فرد معنایی را در شیء خارجی نیابد، بدان بی توجه خواهد بود. شخص هدفدار جنبه هایی از محیط را فعالانه جست و جو می کند که به او کمک کرده یا مانع او می شوند. به همین دلیل، شخص نسبت به آن جنبه ها حساس می شود. علاوه بر آن، معنای یک حس یا ادراک همیشه به تمام موقعیت وابسته است. شیء خارجی به مثابه رابطه ای در میدان روان شناختی ادراک می شود که این میدان شامل شیء بیننده و زمینه روانی پیچیده ای است که اهداف و تجربه های قبلی بیننده را هماهنگ می کنند.

بحث هایی از این دست چگونگی تاثیر مشاهده امور طبیعی را از اهداف و تجربه های پیشین مشاهده گر (فاعل شناسا) از منظر معرفت شناختی،

معناشناختی، روانشناختی یا جامعه شناختی بررسی می کند. در واقع آنچه که در این مکاتب ابژه مشاهده هستند اشیا و پدیده های طبیعی هستند، چیزهایی که موضوع آنها چیزهایی غیر از انسان می باشند.

باید توجه کرد که در تاریخ رشد و تحول معرفت تنها اشیا طبیعی ابژه فاعل شناسا نبوده است بلکه خود انسان نیز ابژه خود شده و مورد مطالعه خود قرار گرفته است. در پزشکی بدن ابژه فاعل شناسا قرار گرفته است و در علوم انسانی<sup>۱</sup> روان، کردارهای فردی و اجتماعی او ابژه پژوهش خود انسان شده اند.

موضوع این کتاب بررسی عمل «مشاهده کردن» و نقش آن در تولید دانش هایی است که با انسان مرتبط اند. البته مشاهده کردن به سه معنا در آثار فوکو بکار رفته اند: مشاهده به معنای «رصد کردن»<sup>۲</sup>، مشاهده به معنای «دیدن»<sup>۳</sup> و مشاهده به معنای «نگاه کردن»<sup>۴</sup>. وقتی از مشاهده کنش و رفتار افراد در جامعه ای خاص سخن می گوئیم در واقع اعمال آنان را در جامعه مزبور رصد می کنیم.<sup>۵</sup> مشاهده رفتار افراد محبوس در زندان، دانش آموزان مشغول به تحصیل در مدرسه، افراد بستری در بیمارستان یا تیمارستان و افراد قرنطینه شده در یک شهر، نمونه هایی از این نوع مشاهده می باشند.

منظور از مشاهده به معنای دیدن، به چشم آمدن پدیده ها هستند. مثلا وقتی پزشک پیشامدرن با بیماری مواجه می شد آنچه می دید فردی بود که به دلیل به هم ریختن تعادل اخلاطش بیمار شده بود در حالیکه پزشک مدرن

۱. البته باید توجه کرد اینکه علوم انسانی به چه رشته هایی اطلاق می شود خود مورد بحث و مناقشات فراوانی است اما منظور از این علوم انسانی در این آثار فوکو علوم اجتماعی و روانشناختی می باشند.

2. observe(English), observer(French)

3. see(English), voir(French)

4. look(English), regard(French)

۵. همانطور که وقتی در علوم طبیعی از مشاهده حرکت ماه در آسمان سخن می گوئیم منظور رصد کردن حرکت و رفتار آن در طول دوره معینی در کره سماوی می باشد.

وقتی در کلینیک با بیمار مواجه می‌شود فردی را می‌بیند که کارکرد یکی از اندام‌های بدنش مختل شده است از این رو خود را در مواجهه با توده کالبد فردی می‌بیند که دارای ضایعه‌ای آسیب‌شناختی است. در یک جامعه دینی پیشامدرن پدیده جرم وقتی به چشم می‌آید که فرد از سنت‌های الهی‌عدول کرده باشد در حالیکه در جامعه مدرن، مشاهده جرم یعنی دیدن پدیده‌ای که از هنجارهای اجتماع خاصی منحرف شده است.

این دو معنا از مشاهده - که از موضوعات مهم و مناقشه‌آمیز فلسفه علم نیز هستند - متاثر از همه تجارب پیشین فرد می‌باشند و قابل بررسی معرفت‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی می‌باشند.

در مورد سوم، مشاهده<sup>۱</sup> به معنای نگاه کردن، میشل فوکودارای آرای برجسته‌ای است. او بدون انکار تاثیر عوامل روانشناختی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی بر شکل‌گیری این نوع مشاهده، بر تاثیر عوامل سیاسی بر عمل مشاهده تاکید می‌کند. البته اگر منظور او فقط این بود که عوامل سیاسی نیز همچون عوامل جامعه‌شناختی و روانشناختی بر مشاهده اثر می‌گذارند می‌توانستیم ردپای چنین تاثیری را در برخی اشاره‌های کوهن در کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی* یافت و با تعمیم و گسترش آن به نقش عوامل سیاسی نیز در کنار عوامل دیگر پرداخت. اما باید به این نکته توجه کرد که آنچه فوکو بر آن تاکید می‌کند این است که چنین مشاهده‌ای اساساً فعلی سیاسی است.

البته باید دقت کرد که معنای ویژه‌ای از سیاست مورد نظر فوکو است. از نظر او ما نباید سیاست را فقط در نظام‌های سیاسی یک حکومت خاص منحصر کنیم بلکه باید «سیاست را نظام روابط قدرت بفهمیم» (فوکو، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰) اگر با چنین تعمیمی از معنای سیاست همراه باشیم می‌بینیم که مشاهده کردن فعلی نیست که فقط حاصل دانش نظری خاصی باشد بلکه

---

۱. از این پس وقتی واژه مشاهده را بکار می‌بریم منظور همان واژه نگاه در تولد کلینیک است.